

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - 16 دسمبر 2011

قصیده خزانیه

ابر سیه به تیرگی زلف دلبران
سر گشته در کـــرانه ارژنگ آسمان
ماه دوهفته چون طبق زرز سوی شرق
از پشت تپه های زیرجد بود عیان
باران که شسته است رخ ساکنان باغ
اکنون به سوی دشت و دمن میکشد عنان
باد صبا چو موج سبکسر کند خروش
گاهی به شاخ عرعر و گاهی به ارغوان
برگ خزان افتاده به هر کنج و هر کنار
افسرده دل ز دوری یــــاران بوستان
هرجا شکست رنگ و به هر سو نگاه سرد
از دیدگاه مردم بافهم نکته دان
اکنون بهار رفت و خزان جلوه گر شده
بر قصر عمر لــــرزه فتادست همچنان
خوابی بود جـــــوانی و افسوس میروید
کاین خواب خوش بیدیه نیاید دگر زمان
کردیم هرچه زشت و نکردیم هر چه خوب
در پیشگاه مردم محبوب مهربان
مفهوم زندگی کــــه بود خدمت بشر
کــــردار دوستان خدا میکند بیان
گر روی پا بایستی هزاران شبانه روز
گر قوت خود کنی از برگ جای نان
گر خورد و خواب و عیش نمائی بخود حرام
گر تر کنی سجاده ات از آب دیدگان
اینها نمیدهند ترا قــــدر و منزلت
جز آنکه بهر خلق شوی نیک و مهربان
معراج توسست قلب شکسته اگــــر شود
بر دست پر ز مهر تو پُرتاب و پُرتوان

تیمور اگــــر به درد عمارت نمیخوری

بهتر که سنگ خاره شوی در تهش نهان